

در طول سال‌هایی که نقاشی می‌کنم بسیاری از موضوعات نقاشی را به صورت عملی تجربه کرده‌ام. این تجربه‌اندوژی در زمان‌هایی که صرف چهره‌سازی می‌شد از لذتی مضاعف برخوردار بود. دلیل آن هم به جز تنوع ظاهری اشخاص، احساس و عواطفی بود که به صورت واضح در چهره‌ی آنها متجلی می‌شد. من شیفته این هیجانات بودم و در طی مدتی که در حال طراحی بودم شوقی وصف‌ناپذیر سراسر وجودم را فرا می‌گرفت. کارهایی هم که در پایان احساس رضایت‌مندی در من ایجاد می‌کرد، به واسطه‌ی همین ارتباط حسی بود که با موضوع برقرار می‌شد. تلاش من در انجام این موضوعات بهانه‌ای شد تا ضمن مطالعه‌ی آثار بزرگان، به شیوه‌هایی شخصی دست یابم.

باید توجه داشت برای خلق یک اثر هنری، به ابزاری حرفه‌ای احتیاج دارید. خوشبختانه در روشی که من توضیح می‌دهم از ابزارهای ساده و کم‌خرج مانند گچ پاستل محدود به دو رنگ سیاه و سفید ترجیحاً با مارک تجاری رامبراند، کاغذ یا مقوای فابریانو در گراماژ مختلف، و پاک‌کن پلاستیکی نرم که بتواند سفیدهای کاغذ را بیرون بکشد استفاده شده که در بازار داخلی نیز به راحتی قابل دسترسی است. انتخاب هوشمندانه‌ی کاغذ با بافت مناسب موضوع می‌تواند مقدمه‌ای برای یک شروع حرفه‌ای باشد. به عنوان مثال، بافت درشت کاغذ برای چهره‌ی کودکی با پوست لطیف و صاف نمی‌تواند سرانجامی خوشایند داشته باشد اما با تغییر موضوع نقاشی به چهره‌ی پیرمردی که احتمالاً ته‌ریشی هم دارد در همان ابتدای کار احساسی متفاوت خواهید داشت. من همواره از این انتخاب، حداکثر استفاده را برای جلوگیری از اضافه‌کاری و رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب برده‌ام.

در شروع کار سعی می‌کنم اعضای چهره از جمله چشم، بینی و لب را در جای صحیح خود به صورتی کم‌رنگ مشخص کنم. در این مرحله نگران شباهت‌های ظاهری چهره نیستم چرا که با جای‌گذاری صحیح آنها خواه ناخواه در مسیری که به این امر ختم می‌شود، قرار خواهم گرفت. قبل از اینکه بخواهم وارد جزئیات شوم، دغدغه‌ی بعدی‌ام ایجاد سایه‌ها و نیم‌سایه‌های کلی چهره است. در عین حال از زمینه‌ی کاغذ برای نشان دادن روشنی‌ها بدون استفاده از رنگ بهره می‌گیرم.

با پرداختن به مشخصه‌های اصلی چهره از جمله لب‌های نازک یا کلفت، ابروهای قیطانی یا پرپشت و چشمان کشیده یا ریز و دیگر موارد، ویژگی‌های هر چهره را بیرون می‌کشم و رسیدن به شباهت ظاهری را تضمین می‌کنم.

در ساخت‌وساز چهره‌ی مردان به‌ویژه افراد مسن دستم بازتر است زیرا به بهانه‌ی نشان دادن چین و چروک‌های اضافی صورت و شکست‌های احتمالی چهره که به دلیل افتادگی عضلات روی هم ایجاد شده، می‌توانم از خطوط بیشتری استفاده کنم. این خطوط هیجان بیشتری را به اثر می‌دهد و تصویر را از حالت یک مجسمه‌ی یخ‌زده خارج می‌کند.

پس از اطمینان از جایگیری صحیح سایه‌ها و نورها، برای مدت زمان کوتاهی از ادامه‌ی کار صرف‌نظر می‌کنم. این برخورد با کار، بیشتر شخصی است تا علمی. بنابراین تأکیدی در انجام این مرحله ندارم. این توقف که مدت آن زیاد طولانی نیست باعث می‌شود در مراجعت به اثر، به اشکالات احتمالی طراحی پی ببرم و با شوقی مضاعف به جزئیات نه چندان زمان‌بر ولی حساس که متضمن دست یافتن به شباهت‌های ظاهری است، پردازم. در لابه‌لای این شبیه‌سازی، سایه‌هایی را که لازم است تقویت شوند، تیره‌تر می‌کنم. با این کار بدون اینکه به روشنی‌های زمینه‌ی کاغذ دست زده باشم، آنها را تشدید کرده‌ام.

بعد از این مرحله، با به کارگیری لکه‌های سفید که بیانگر تابش نور بر روی چهره است، کمک شایانی به ایجاد حجم‌های واقعی چهره می‌کنم. همنشینی این نورها با سایه‌ها باعث می‌شود ارزش‌های واقعی خود را بازیابند و با ایجاد کنتراست، احساسی عمیق را به مخاطب انتقال دهند. هم‌زمان با انجام این مراحل، به پس‌زمینه‌ی کار که نقش اساسی در جدا شدن تصویر از سطح کاغذ دارد می‌پردازم. این بخش از کار همواره برایم جذاب و هیجان‌انگیز است چرا که پیش‌بینی خاصی از نتیجه‌ی اجرای آن ندارم. تجربیات عملی من در طول این سال‌ها نقش اصلی برای گذر از این مرحله را ایفا می‌کند. در اجرای این مرحله علاوه بر رنگ سفید، از پاک‌کن با برش‌های متفاوت استفاده کنم. این بخش از اجرا می‌تواند ضمن ایجاد عمق در فضای تصویر، آن را برجسته کند و عاملی اساسی در دور شدن از حس عکس‌گونه‌ی چهره داشته باشد. در ایجاد بافت‌های نرم، از مالش انگشتان دست و در مواردی خاص از دستمال کاغذی نرم کمک می‌گیرم. این عمل نه تنها در پس‌زمینه، بلکه در نقاط مختلف چهره بر اساس نیاز انجام می‌شود. خط‌های آزاد را که در حین انجام مراحل مختلف کار ایجاد شده‌اند، چنانچه احساس کنم مزاحم هستند، با انگشت محو یا پاک می‌کنم و در نقاطی که کمبود آن احساس شود، از نوک پاستل گچی برای ایجاد آن استفاده می‌کنم. تأکید می‌کنم که این خطوط، بیانگر احساس روان‌کاوانه‌ای است که هنرمند می‌تواند نسبت به سوژه از خود نشان دهد. لذا در ارائه‌ی آن از حداکثر احساس خود استفاده می‌کنم. خط‌های کلیشه‌ای و بی‌روح می‌تواند قدرت ساخت‌وساز شما را تحت‌الشعاع قرار دهد و از بار عاطفی اثر بکاهد.

با دور و نزدیک شدن از طراحی، که به دفعات در حین انجام مراحل تکمیلی کار انجام می‌دهم، می‌توانم اشکالات را بهتر تشخیص دهم و آنها را به حداقل برسانم و آخرین گام‌های را برای رسیدن به یک نتیجه‌ی ایده‌آل بردارم.

اکنون کار به اتمام رسیده و برای اثبات حالت‌های سایه روشن، از فیکساتور مخصوص این تکنیک استفاده می‌کنم. این کار را از فاصله‌ی تقریباً دور و به دفعات انجام می‌دهم تا پوشش مناسبی برای حفظ حالت‌هایی که به صورت پودر روی کاغذ نشسته‌اند، ایجاد کرده باشم.

دیدن کار پس از انجام کامل این مراحل، شیرین‌ترین لحظات زندگی‌ام را رقم می‌زند. امیدوارم با ارائه‌ی تجربیات شخصی‌ام شما نیز روزی بتوانید این احساس لذت‌بخش را تجربه کنید.